

یادداشت

شورای ششم و هفت اشتباه راهبردی در حکمرانی شهری

از وعده تحول تا واقعیت بحران



ابراهيم‌علي پور

کارشناس مدیریت شهری

شورای شهر قرار است طنین صدای مردم باشد، نه تیون توجیه وضعیت موجود. تهران، به‌عنوان پایتخت ایران، به شورایی نیاز دارد که شجاع، مسئله‌محور و مستقل از ملاحظات جناحی باشد. اما کارنامه شورای ششم تهران نشان می‌دهد فاصله‌ای معنادار میان «انتظارات عمومی» و «واقعیت عملکرد» شکل گرفته است. اکنون، در آستانه پایان این دوره، زمان آن رسیده است که بدون تعارف، خطاهای راهبردی این شورا مرور شود؛ خطاهایی که تکرار آنها می‌تواند آینده تهران را تباہ کند.

۱. بی‌توجهی به ابرچالش‌های حیاتی شهر

تهران روی گسل بحران ایستاده است؛ آلودگی هوا، تنش شدید آبی، فرونشست زمین، نایبمنی سازه‌ها و ضعف زیرساخت‌های بحران، انتظار می‌رفت شورای ششم این مسائل را به اولویت مطلق خود تبدیل کند، اما بخش عمده‌ای از دستور کار شورا درگیر مسائل فرعی، نامه‌نگاری‌های کم‌اثر و طرح‌هایی شد که بیش از آنکه مسئله‌ای را حل کنند، جنبه نمایشی داشتند. شورا در برابر بحران آب، آلودگی و فرسایش محیط زیست، سکوت سیاسی اختیار کرد.

۲. غلبه نمایش بر واقعیت؛ حکمرانی ویترینی

یکی از جدی‌ترین آفت‌های شورای ششم، تبدیل مدیریت شهری به صحنه نمایش بی‌دری بود. پروژه‌هایی که گاه بدون ارزیابی دقیق و با تبلیغات گسترده معرفی شدند، اما اثر ملموسی در زندگی شهروندان نگذاشتند. تهران امروز همچنان در ترافیک، آلودگی، نایبمنی و نابرابری دست‌وپا می‌زند، اما شورا بیش از آنکه به حل این دردها بپردازد، درگیر تولید «گزارش‌های پرزرق‌وبرق» شد.

۳. یک‌دستی سیاسی؛ از وعده کارآمدی تا واقعیت ناکارآمدی

دوره ششم با ترکیب یک‌دست از نظر سیاسی آغاز شد. وعده داده شد که دیگر خبری از درگیری‌های جناحی نیست و کارها با سرعت و انسجام پیش خواهد رفت. اما نتیجه چه شد؟ نهم‌ت‌ها سرعت و کارآمدی افزایش نیافت، بلکه اختلافات درونی، شکاف با بدنه کارشناسی و تنش‌های رسانه‌ای، فضای شورا را ملتهب کرد. تجربه نشان داد یک‌دستی سیاسی، اگر با شایسته‌سازی همراه نباشد، به انسداد تصمیم‌گیری می‌انجامد، نه به انسجام.

۴. فراموشات جایگاه نظارتی شورا به سطح تذکرها‌ی تشریفاتی

شورا باید ناظر قدرتمند نخستین نهاد اجرایی شهر باشد، اما در عمل، ابزارهای نظارتی شورا اغلب بی‌اثر باقی ماند. تذکرها شنیده نشد، گزارش‌ها به بایگانی رفت و پروژه‌های پرابهام بدون پاسخ‌گویی جدی ادامه یافتند. وقتی نظارت ضعیف می‌شود، زمینه فساد، تصمیمات غیرکارشناسی و حیف‌ومیل منابع عمومی تقویت می‌شود؛ خطری که تهران بارها هزینه آن را پرداخته است.

۵. بلاتکلیفی نهادی و بحران اعتماد عمومی

ماجرای تمديد دوره ششم ششمن یکی از عجیب‌ترین رویدادهای مدیریت محلی در سال‌های اخیر بود. این تصمیم نهم‌ت‌ها شورا را در وضعیتی مبهم قرار داد، بلکه برای شهروندان این پیام را داشت که حتی نهاد شورا نیز ثبات و پیش‌بینی‌پذیری ندارد. چنین بی‌نظمی نهادی‌ای، مستقیم به اعتماد عمومی ضربه زد و تمرکز مدیریت شهری را بر هم رد.

۶. غفلت از محلات، شیفکتنی به پروژه‌های پرهزینه

درحالی‌که بسیاری از محلات تهران با معایر فرسوده، کمبود خدمات، نایبمنی و فقر زیرساختی مواجه هستند، بخش درخور توجهی از منابع صرف پروژه‌های بزرگ و پرهزینه شد؛ پروژه‌هایی که بعضا برای بخش‌هایی محدود از شهر طراحی شدند، نه برای اکثریت شهروندان. این مسیر، نابرابری فضایی را عمیق‌تر کرد.

۷. بی‌توجهی به اصلاح ساختار حکمرانی شهری

مهم‌ترین ضعف راهبردی شورای ششم، پرداختن جدی به ریشه مشکلات بود. تهران از نبود یک نظام حکمرانی شفاف، منسجم و پاسخ‌گو رنج می‌برد. تداخل وظایف، اختیارات محدود شورا، چندپارگی نهاده‌ا و ضعف شفافیت، همه بخشی از یک بیماری ساختاری هستند. بااین‌حال، شورای ششم به‌جای مطالبه اصلاح این ساختار معیوب، عمدتاً به مدیریت روزمره بسنده کرد.

پیامد این خطاها چیست؟

نتیجه این مجموعه خطاها، چیزی جز فرسایش سرمایه اجتماعی، تضعیف اعتماد عمومی، تشدید بحران‌های زیست‌محیطی و افزایش نابرابری شهری نیست. تهران امروز شهری است که خسته به نظر می‌رسد؛ شهری که مردمش کمتر از گذشته به وعده‌های مدیریت شهری دل می‌بندند.

راهی که نباید دوباره اشتباه رفت

شورای آینده اگر می‌خواهد اسیر همین چرخه معیوب نشود، باید چند اصل را جدی بگیرد:

اول، اولویت‌دادن واقعی به بحران‌های حیاتی شهر نه پروژه‌های نمایشی. دوم، بازسازی جایگاه نظارتی شورا به‌عنوان نهاد مطالبه‌گر و شفاف. سوم، پرهیز از سیاست‌زدگی و حرکت به سوی مدیریت مبتنی بر شایستگی و تخصص.

چهارم، توجه هم‌زمان به پروژه‌های کلان و نیازهای فراموش شده محلات.

و در نهایت، پیگیری اصلاحات ساختاری در نظام حکمرانی تهران. اگر این خطاها دوباره تکرار نشوند، هزینه آن را نه شورا و مدیران، بلکه شهروندان با جان، سلامت و کیفیت زندگی خود خواهند پرداخت.

خبر

راهکار شورای شهر برای کاهش فساد

آتیه آنلاین: جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، معتقد است پیشگیری از تخلفات و فساد در شهرداری نیازمند بازنگری در ساختارها و شیوه‌های عملیاتی است و نمی‌توان فقط با نصیحت یا تهدید، مشکل را حل کرد.او تاکید کرد شورای اسلامی شهر تهران طی سال‌های اخیر تلاش کرده است با تدوین مصوبات و قوانین روشن، زمینه‌های آسیب و تخلف در شهرداری را به حداقل برساند و نقش مستقیم کارکنان با مردم را کاهش دهد تا شهرداری بیشتر در جایگاه نظارتی عمل کند.جعفر تشکری‌هاشمی گفت: «معمولا شهرداری‌ها و البته همه سازمان‌ها و نهادهای دولتی در معرض آسیب قرار دارند. مگر می‌شود تصور کرد جایی منفعتی باشد و شرایط آسیب و زیان به کارکنان آن مجموعه وجود نداشته باشد؟ برای این کار با نصیحت یا تهدید مشکل حل نمی‌شود. ما باید ساختارها و شیوه‌های عملی کار را به‌گونه‌ای تنظیم کنیم تا زمینه و استعداد وقوع تخلف و جرم در هیچ مجموعه‌ای از جمله شهرداری نباشد.»او ادامه داد: «در طول این سال‌ها مصوباتی که شورای اسلامی شهر تهران داشت، تلاش بر این بود که این دیدگاه در سبک و سباق مدیریت شهری حاکم شود. طبیعتاً وقتی می‌توانیم بگوییم فساد به حداقل می‌رسد که تصدی‌گری و ارتباط مستقیم خواسته‌های مردم با کارکنان به حداقل برسد و شهرداری نقش نظارتی داشته باشد».

علی اعطا در گفت‌وگو با «شرق» طرح فروش سانتی متری مسکن را ارزیابی کرد

«خانه‌ریز»؛ راهکار مسکن یا بازار بورس خرد؟

خانه‌ریز، بحران مسکن را حل نمی‌کند، سفته بازی می‌آفریند



علی اکبر صالحی

به گمان من این طرح، یک مکانیسم تأمین مالی پروژه‌های نیمه‌تمام شهرداری است، نه یک راه‌حل برای مسئله مسکن. بحران مسکن در درجه نخست، ریشه در اقتصاد کلان دارد. این نکته که از فاصله و شکاف میان درآمد عمومی تا تأمین مالی برای مسکن در استطاعت صحبت می‌کنیم، به اقتصاد کلان برمی‌گردد. و البته اگر بخواهیم از آیتم‌های دیگر هم صحبت کنیم، توزیع نا عادلانه زمین شهری و فقدان برنامه منسجم مسکن اجتماعی نیز مطرح می‌شود. چنین طرح‌هایی مثل فروش متری مسکن و حالا هم فروش سامتی‌متری مسکن، پاسخی برای این مسائل ندارد و حتی اگر بخواهیم بی‌برده‌تر بگوییم، نسبتی هم با مسئله مسکن ندارد. اما چنین به نظر می‌رسد که هدف این است که از این طریق، شاید با استفاده از اعتماد عمومی به نهاد شهرداری، نقدینگی را به پروژه‌های راكد هدایت کنند. می‌دانیم که در تهران، هزاران میلیارد تومان پروژه نیمه‌تمام وجود دارد. اگر این فرض صحیح باشد که هدف اصلی این طرح، تأمین مالی برای پروژه‌های ناتمام و نیازهای مالی شهرداری است، چنین طرحی ممکن است در کوتاه‌مدت به تکمیل بخشی از این پروژه‌ها بینجامد، اما الگوی پایدار و قابل تعمیمی برای حل مسئله خانوارهای فاقد مسکن و بدمسکن ارائه نمی‌دهد.

❌ بحث را به کلیت نقش شهرداری‌ها ببریم. در الگوی جهانی، شهرداری دقیقاً با چه نقشی وارد بازار مسکن می‌شود؟

این سؤال بسیار مهمی است. به‌طور اصولی در شهرهایی که تجارب موفق‌ی در این حوزه داشته‌اند، شهرداری‌ها چند نقش کلیدی دارند یا می‌توانند داشته باشند. اول اینکه در نقش یک تنظیم‌گر قدرتمند عمل کنند. چنین کاری با ابزارهایی مثل برنامه‌ریزی کاربری زمین، برنامه‌ریزی توزیع تراکم و نیز برنامه‌ریزی صحیح برای میزان عوارض می‌تواند محقق شود. در نقش دیگر، شهرداری‌ها بعضاً به‌عنوان تأمین‌کننده و مالک مسکن اجتماعی فعالیت می‌کنند. مثلاً به ایس صورت که شهرداری با نهادهای وابسته به شهرداری، واحدهای باکیفیت اما ارزان می‌سازند، مالک آنها باقی می‌مانند و به صورت اجاره بلندمدت کنترل‌شده یا به تعبیری اجاره اجتماعی عرضه می‌کنند. برای مثال، در گزارشی دیده بودم که وین مالک بیش از ۲۰۰ هزار واحد مسکونی است و درصد درخور توجهی از جمعیت آن در مسکن اجتماعی زندگی می‌کنند. نقش دیگری که شهرداری‌ها ایفا می‌کنند و اساساً باید ایفا کنند، نقش تسهیلگری برای بخش خصوصی و تعاونی‌هاست. اینکه شهرداری در نقش «سازنده انبوه برای بازار آزاد» عمل کند، محل پرسش جدی است. این کار را بخش خصوصی انجام می‌دهد. شهرداری باید شکاف‌ها را پر کرده و از اقشار محروم حمایت کند.

❌ پس چرا در ایران شهرداری‌ها عمدتاً نقش فروشنده زمین و تراکم را دارند؟

دلیلتش این است؛ «بیماری مزمن در اقتصاد شهری ایران» است. شهرداری از درآمدهای پایدار فاصله جدی دارد و برای تأمین هزینه‌های جاری -که عمده آن حقوق پرسنل است- مجبور به فروش دارایی‌های شهری (زمین) و فروش تراکم مازاد و بعضاً تراکم غیرمجاز است که عملاً مترادف با فروش حق شهروندان به نور و هوا شده است. حداقل در حدود ۶۰ درصد درآمدهای شهرداری در همین سال‌های اخیر از بخش عوارض تأمین شده و براساس بعضی مطالعات و پژوهش‌ها، گاه این درصد به نزدیک به ۸۰ درصد نیز رسیده است.

❌ آیا شهرداری‌های ایران از الگوی اروپایی «اجاره اجتماعی» فاصله کامل گرفته‌اند؟

بله و این فاصله یک شکاف حکامیتی است. در وین، آمستردام یا پاریس، شهرداری‌ها مالک بخش بزرگی از مسکن شهرداری هستند و آنها را نمی‌فروشند؛ زیرا فروش به معنای خروج دارایی از چرخه حمایت عمومی است. در ایران، حتی وقتی شهرداری مسکن می‌سازد، در نهایت آن را می‌فروشد تا بدهی‌هایش را بدهد. این یعنی ما به‌جای ایجاد «ذخیره دائمی مسکن اجتماعی»، در حال «فروش تکتک دارایی‌های عمومی» هستیم. در شهرداری‌های ایران اساساً واحد اجاره اجتماعی و اجاره‌داری حرفه‌ای وجود ندارد.

❌ شهرداری‌های ایران براساس قانون، مجاز به ورود مستقیم به مسکن‌سازی انبوه هستند؟ مرز اختیارات‌شان با وزارت راه و شهرسازی کجاست؟

می‌توان گفت این یک منطقه خاکستری حقوقی است. قانون شهرداری‌ها، شهرداری را موظف به «تهیه طرح‌های عمرانی» و «ارائه خدمات شهری» کرده است. ساخت مسکن انبوه به‌عنوان یک فعالیت تجاری، به صراحت در حیطه وظایف ذاتی شهرداری نیامده است. وزارت راه و شهرسازی متولی سیاست‌گذاری کلان است. وقتی شهرداری به صورت انبوه مسکن می‌سازد و می‌فروشد، در نقش وزارتخانه ظاهر می‌شود و این باعث تضعیف نقش حاکمیتی و نظارتی هر دو نهاد می‌شود.

❌ اگر پروژه مسکن شهرداری شکست بخورد، چه نهادی پاسخ‌گو است؟

این هم چالش دیگری است. یک چالش حقوقی و شهری

است. در برابر یک نهاد عمومی -حاکمیتی مانند شهرداری، فرایند پیگیری حقوقی بسیار طولانی و دشوار است. طبیعتاً رسیدگی به شکایات مردمی در این‌گونه پروژه‌ها و احقاق حق نیز روندی دشوار و زمان‌بر است. سابقه نشان می‌دهد در پروژه‌های مشارکتی گذشته، بخش درخور توجهی از ضرر به مردم تحمیل شده است. **❌ آیا ورود شهرداری به مسکن، اگر بدون شفافیت باشد، خود به عامل تورم قیمت مسکن تبدیل نمی‌شود؟**

قطعا همین‌طور است. این یک تناقض ذاتی است. شهرداری باید از طریق ابزارهایی که در اختیار دارد یا می‌تواند در اختیار داشته باشد، در کنترل قیمت‌ها ایفای نقش کند؛ اما وقتی درآمدش وابسته به فروش تراکم با بیشترین میزان یا فروش زمین و املاک است، خود شهرداری ذی‌نفع افزایش قیمت‌هاست. این تعارض منافع، مانع ایفای نقش تنظیم‌گری است.

❌ در جهان، شهرداری‌ها چگونه بدون فروش زمین، پروژه‌های مسکن را تأمین مالی می‌کنند؟

با روش‌های پایدار مثل مالیات بر ارزش زمین (Land Value Tax) و مالیات بر املاک، اوراق قرضه شهری (Municipal Bonds)، تضمین‌شده، وام‌های بلندمدت با بهره پایین و شرکت‌های عمومی سهامی عام تحت نظارت بازار سرمایه چنین اموری می‌تواند محقق شود. بااین‌حال، نکته پراهمیت در همه اینها، شفافیت، نظارت نهادهای مستقل و دوری از معامله مستقیم دارایی با شهروندان است.

❌ آیا ورود شهرداری‌های ایران به مسکن، به نفع فشر کم‌درآمد بوده یا سرمایه‌گذار؟

با نگاهی به سابقه پروژه‌های مشارکتی، ذی‌نفع اصلی «بازار ساخت‌وساز» است، نه عموم مردم و به‌ویژه، نه اقشار کم‌درآمد. زمین‌های باارزش شهرداری عمدتاً از طریق مکانیسم‌های غیرشفافی مثل «سرمایه‌گذاری مشارکتی» در اختیار سازندگان خاص قرار گرفته است. محصول نهایی، اغلب آپارتمان‌های متوسط و بالا در بازار آزاد بوده است. سهم مسکن واقعا حمایتی، یا بسازند یاچیز بدهد یا در حاشیه شهر تعریف شده است. این امر شکاف قیمتی و فضایی در شهر را عمیق‌تر کرده است.

❌ فروش متری، نشانه تغییر نقش شهرداری از «تنظیم‌گر» به «کارگزار مالی» نیست؟

این یک پرسش تخصصی در حوزه مالی و اقتصادی است و من تخصصی در آن ندارم. اما به صورت کلی می‌توانم بگویم شهرداری دارد به یک سازنده تبدیل می‌شود، درحالی‌که باید تنظیم‌کننده و تسهیلگر باشد. وقتی شهرداری پول نقد مردم را برای تحویل ملک در آینده می‌گیرد، عملاً در حال انجام یک تعهد مالی بلندمدت و شاید بدون تضامین کافی است. این می‌تواند به ایجاد یک ساختار و سیستم مالی غیرشفاف تحت مدیریت یک نهاد غیرمالی بینجامد که هم برای شهروندان و ذی‌نفعان مناسب نیست و هم اعتبار نهاد شهرداری را مخدوش می‌کند.

❌ با توجه به این تحلیل‌ها، ورود پررگ شهرداری به حوزه مسکن، در شرایط فعلی ایران، راه‌حل بحران مسکن است یا بخشی از مسئله؟

در چارچوب فعلی حکمرانی شهری و با انگیزه‌های مالی موجود، بخشی از مسئله است و می‌تواند آن را تشدید کند. تا زمانی که اصلاحات ساختاری عمیق رخ ندهد، این ورودها بیشتر واکنش‌های مقطعی برای علاج درد درآمدی خود شهرداری خواهند بود. راه‌حل واقعی چندیابه است. اول، تدبیر بهتر امور مالی و درآمدی شهرداری از طریق درآمدهای پایدار. دوم، تفکیک نقش و برقراری ضوابط و مقررات روشنی در شهرداری و مقررات دولتی. سوم، شفافیت و شفافیت مطلوب در تمام معاملات اراضی و پروژه‌ها. چهارم، تقویت نهادهای جایگزین مانند تعاونی‌های مسکن مردمی. بدون این اصلاحات، طرح‌هایی مانند «خانه‌ریز» ممکن است چند پروژه را نجات دهد، ولی عمده بحران مسکن در مقیاس کلان‌شهری نخواهد کرد. شهر نیازمند سیاست‌هایی است که بلندمدت بیندیشد و دارایی‌های عمومی را برای نسل‌های آینده حفظ کند، نه اینکه آنها را در مقیاس سانی‌متر بفروشد تا بودجه جاری را تأمین کند.

گزارش خبری

انتقاد شورای شهر از سیاست «مسکن سانتی‌متری» طرح «خانه‌ریز» یا سردرگمی در مسکن؟

شرق: عضو شورای شهر تهران با انتقاد از عملکرد شهرداری در حوزه مسکن و ورود به فعالیت‌های فراتر از وظایف ذاتی، گفت طرح «مسکن سانتی‌متری» به‌جای تسهیل دسترسی مردم، پیام اشتباهی درباره قدرت خرید مسکن منتقل می‌کند و زمینه سردرگمی و ناکارآمدی در خدمات شهری را افزایش داده است. در حالی که شهرداری تهران اخیراً از مدلی با عنوان «خانه‌ریز» برای مشارکت مردم در املاک و پروژه‌های مسکونی و گردشگری رونمایی کرده، اعضای شورای شهر با انتقاد از پیامدهای این طرح، نسبت به ایجاد آدرس غلط به مردم هشدار داده‌اند. طرح «خانه‌ریز» که امکان خرید امتیاز یک‌صدم یک مترمربع از یک ملک مشخص را فراهم می‌کند، به گفته شهرداری، می‌تواند مشارکت مردم با سرمایه‌های اندک را ممکن کند، اما برخی اعضای شورا معتقدند این سیاست، نشانه‌ای از سردرگمی در مدیریت شهری است. جعفر شریبانی، عضو شورای شهر تهران، با اشاره به عملکرد شهرداری در دوره فعلی به «شرق» گفت: شهرداری از ابتدا به وظایف ذاتی خود نپرداخت و در حوزه‌های مختلف ورود کرد؛ از پاکسازی معتادان متجارب تا مکانیزکردن پسماند و تشکیل قرارگاه‌های مسکن و اجتماعی، او افزود این اقدامات بیانگر عدم تمرکز و سردرگمی در اجرای مأموریت‌های قانونی شهرداری است. شریبانی با تاکید بر اینکه «وظیفه شهرداری تولید مسکن نبوده است»، افزود طرح‌های جدید برای مسکن کارکنان شهرداری نیز پاسخ‌گوی نیازهای واقعی نیستند و بیش از یک سال برای صدور پروانه‌ها زمان صرف شده است. حال آنکه این فرایند باید کوتاه‌تر و تسهیل شده باشد.او درباره طرح مسکن کارکنان توضیح داد: «ما یک طرح سه‌هفتگی را بررسی کردیم و سؤالات متعددی درباره شفافیت و تضمین سرمایه‌های کارکنان پرسیدیم که متأسفانه پاسخی دریافت نشد». شریبانی اضافه کرد بدنه شهرداری پیام او را دریافت کرده و این موضوع باید به صورت تخصصی در کمیسیون معماری و شهرسازی بررسی شود.عضو شورای شهر درباره طرح «مسکن سانتی‌متری» هشدار داد: «پیام این طرح به مردم اشتباه است؛ نشان می‌دهد قدرت خرید متر مربع، سانتی‌متر مربع مطرح می‌شود. این آدرس غلط به مردم و حتی دشمنان کشور داده می‌شود». شریبانی تاکید کرد: «همه مسئولان مکلفند در جایگاه خود به مردم را اثبات کنند و ارائه پیام‌های نادرست، مغایر با این هدف است».

درگیری لفظی در صحن شورای شهر تهران

در جریان بررسی یکی از لوايح شورای شهر تهران، تنش و درگیری لفظی بین چند عضو شورا رخ داد که علت آن تذکر خارج از دستور یکی از اعضا بود. این حادثه در زمان بررسی لایحه اعطای مجوز به شهرداری تهران برای انتشار اوراق مالی اسلامی در سال ۱۴۰۴ رخ داد. مهدی اقراریان در جریان جلسه اظهار کرد: «هرکجا می‌رویم، شهرداری تهران تصویر آقای زاکانی را پخش کرده است؛ حتی در نماز جمعه و روزنامه همشهری نیز تصویر ایشان منتشر شد. اگر هدف پیروزی در انتخابات بعدی است، بهتر است این هزینه‌ها صرف پروژه‌ها شود، نه تبلیغات». پس از این اظهارات، مهدی چمران، رئیس شورای شهر و آقامیری، دیگر عضو شورا عنوان کردند «طرح این مباحث چه ارتباطی با لایحه دارد؟». همچنین مجید باقری، معاون شهردار تهران نفت: «متوجه نشدم طرح این موضوع چه ربطی به لایحه دارد و نباید خارج از موضوع صحبت شود». صادق، رئیس کمیته شفافیت شورای شهر نیز یادآور شد: «روال تذکر دادن طبق قانون مشخص است و باید کتبی باشد. برخی اعضای شورا هر زمان که بخواهند از فرصت استفاده می‌کنند و هرچه می‌خواهند می‌گویند». پرویز سروری، نایب‌رئیس شورا، خطاب به اقراریان گفت: «او مثل بازیکن آزاد است و هرچه دلش بخواهد می‌گوید».